

## عنوان کتاب: گذر جامعه سنتی (نوسازی خاورمیانه)<sup>۱</sup>

(طرح و بررسی نظریه نوسازی دانیل لرنر)

نقد و بررسی: شاپور کریمی<sup>۲</sup>

society:modernizing the Middle east توسط دانیل لرنر<sup>۳</sup> با همکاری لوسیل دلیو پوشر در سال ۱۹۶۴ تالیف که برگردان پارسی آن از سوی دکتر غلامرضا خواجه سروی انجام و در سال ۱۳۸۳ توسط پژوهشکده مطالعات راهبردی منتشر گردید. با توجه به اینکه نوسازی در دوره‌های زمانی اخیر در شمار مهمترین مسایل جهان سوم قرار گرفته است، تغییر سبک زندگی از کهن به جدید که حاصل تحول در شیوه‌های جدید زندگی غربی بود بعد از شروع فرایند نوسازی اروپایی به تدریج به دیگر مناطق جهان سرایت کرد. لرنر به اتفاق همکاران خود با استفاده از شیوه آماری مطالعات میدانی<sup>۶</sup> کشور خاورمیانه شامل ایران، ترکیه، اردن، لبنان، سوریه و مصر را به منظور نحوه برخورد با جریان مدرنیته و همچنین راهکارهای نیل به توسعه و بررسی موانع جریان تمدن-گرایی را مورد مطالعه و پژوهش قرار دادند. لرنر در مقدمه کتاب می‌نویسد: «انگیزه‌ای که جامعه سنتی را در خاورمیانه تحلیل برد فاز غرب بود. غرب برای بازسازی جامعه جدیدی که بتواند در جهان امروز عملکرد موثری داشته باشد، همچنان یک مدل کارآمد است. در این حالت، خاورمیانه می‌خواهد تبدیل به وضعیت کنونی غرب شود اما این جوامع عجز در برخورد با فرایند تاریخی توسعه غربی، صبر ناچیزی دارند. برخی از جوامع خاورمیانه می‌خواهند آنچه در غرب در طول بیش از چند قرن صورت گرفته در طول چند سال انجام دهند. به علاوه آنان می‌خواهند راه خود را بروند. یکی از پیچیدگی‌های نوسازی خاورمیانه قومیت پرستی آن است که از لحاظ سیاسی در

---

<sup>1</sup> - The passing of Traditional

- دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، ایران، تاکستان

<sup>3</sup> - lerner Daniel



ناسیونالیسم افراطی و از لحاظ روانشناختی در بیگانه ترسی و سواس آمیز ظاهر می‌شود.....» (منبع اصلی: ۱۶)

لرنر مهمترین عامل در نوسازی و تغییرات اجتماعی را رسانه‌های گروهی<sup>۴</sup> می‌داند زیرا الگوهای زندگی غربی از سوی پیام‌های رسانه‌ای به مخاطبان منتقل و در این فرایند به تدریج شاهد نوسازی اجتماعی خواهیم شد و معتقد است که جوامع دارای رسانه‌های متعدد مستقل در تسریع فرایند موصوف موفق عمل خواهند کرد.

لرنر چهار عامل مهم و تاثیرگذار را در فرایند نوسازی دخیل می‌داند که عبارتند از: تحرک جغرافیایی، سوادآموزی، استفاده از رسانه‌ها و مشارکت اقتصادی و سیاسی. ضمن آنکه ویژگی‌های جوامع نوسازی نشده را موارد ذیل اعلام می‌نماید: ۱- درجه پایین تخصص‌گرایی ۲- درجه بالای خود اتکایی ۳- اصول فرهنگی مبتنی بر سنت ۴- تقدم قواعد خانوادگی ۵- درجه پایین تفکیک بندی زندگی.

### دانیل لرنر- نظریه نوسازی جهان سوم

در نظریه نوسازی برای عملکرد وسایل ارتباط جمعی آگاهی دهی نقش اصل انتخاب شده است. دانیل لرنر در نظریه نوسازی جهان سوم، چهار مرحله و سه تحرک اجتماعی را در توسعه این کشورها دخیل می‌داند که به شرح زیر است:

۱- شهر نشینی

۲- سواد آموزی

۳- استفاده از وسایل ارتباط جمعی

<sup>4</sup> - Mass Media

#### ۴- مشارکت‌های سیاسی و اقتصادی

لرنر سومین عامل تغییر را وسایل ارتباط جمعی می‌داند و معتقد است این وسایل به ویژه رادیو و سینما می‌توانند نقش "همانندجویی" (همزاد پنداری) را در میان مردم کشورهای جهان سوم تقویت کند و روستائیان را برای مهاجرت به شهرها تشویق نماید.

الگوی نوسازی دانیل لرنر، خطی و متکی بر رشد شاخص‌های شهرنشینی، سواد آموزی، استفاده از رسانه‌ها و مشارکت است. مفهوم شخصیت انتقالی توسط دانیل لرنر در جهت شناخت مکانیسم توسعه پدید آمد. شاخص خاص چنین شخصیتی توانایی بسیار وی در همدلی است. همدلی یا توانایی هر انسان در خود را در جای دیگری گذاشتن. به عقیده لرنر همدلی از شهر، مدرسه و وسایل ارتباط جمعی، متاثر گردیده، موجبات بسط مشارکت انسان‌ها را در حیات اجتماعی فراهم می‌سازد اما بعد از شکست الگوی توسعه دانیل لرنر در کشورهای جهان سوم (مخصوصاً بعد از پیروزی انقلاب در ایران)، وی نیز در الگوی خود تجدید نظر کرد و در مقاله‌ای دگرگونی‌های کشورهای جهان سوم در برخورد با ارتباطات و نوسازی را در سه مرحله از هم جدا می‌کند. این مراحل به شرح زیر است:

۱- انقلاب آرزوهای فزاینده ۲- انقلاب سرخوردگی‌های فزاینده ۳- قدرت‌یابی نظامی‌ها

اورت راجرز به نظریه الگوی توسعه‌ای دانیل لرنر دو انتقاد وارد کرده است:

۱- قوم‌مداری

۲- ارائه الگوی غربی برای رشد کشورهای رو به توسعه

دانیل لرنر: وسایل ارتباط جمعی کنونی می‌توانند نقش همانندجویی را در میان کشورهای جهان سوم تقویت کنند و مهاجرت روستائیان به شهرها را باعث شوند.

دانیل لرنر: نوگرایی در جوامع رو به توسعه از طریق رسانه‌های همگانی که حکم کارگزار و شاخص تغییر را دارند، تسهیل می‌شود.

تعریف راجرز: نوسازی فراگردی است که طی آن افراد از زندگی به شیوه سنتی به مرحله‌ای از زندگی پیچیده‌تر (تکنولوژی) گام می‌نهند. امتیاز مفهوم نوسازی بر مفهوم توسعه این است که بخاطر توجه به آن فرد بیشتر با عوامل فرهنگی و روانی سروکار دارد.

### منشاء مکتب نوسازی

۱- رویداد ظهور آمریکا: بعد از جنگ جهانی دوم و اجرای طرح مارشال، بازسازی اروپایی جنگ زده به رهبری یگانه ابر قدرت جهان در سال ۱۹۵۰ عملاً مسئولیت اداره امور همه جهان بر عهده آمریکا گذاشته شد.

۲- کمونیسم: گسترش دامنه نفوذ کمونیسم و جنبش کمونیستی از سوی چین و شوروی در اروپای شرقی.

۳- ملل مستقل: ظهور کشورهای استقلال یافته و اهتمام در جهت کسب روش نوسازی اجتماعی و تلاش دانشمندان آمریکا برای ترغیب اندیشمندان کشورهای مستقل.

### بنیادهای تفویک مکتب نوسازی

مکتب تکامل گرایی: دانشمندانی چون دورکیم، اسپنسر و اگوست کنت معتقد بودند که نوسازی یک فرایند مرحله به مرحله، تجانس آفرین، غیرقابل بازگشت، طولانی و تدریجی می‌باشد.

مکتب کاردگرایی: مهمترین نظریه پرداز این بخش پارسونز است که معتقد به جریان نظام یافته، انتقال دهنده و درونی است.

## نظریه دانیل لرنر در مورد توسعه

در الگوی لرنر، چهار مرحله مطرح است. وی با طرح نظریه «گذر از نظام سنتی، نوسازی خاورمیانه» براساس تحقیق و پژوهش خود در کشورهای ایران، ترکیه، مصر، سوریه، اردن و لبنان، نتیجه می‌گیرد: «ارتباطات جمعی عامل مهم تحرک جوامع سنتی» و تبدیل انسان‌ها از حالت سنتی به متجدد می‌باشد. وی در این زمینه، تحرک جغرافیایی، سوادآموزی، استفاده از رسانه‌های جمعی و مشارکت اقتصادی و سیاسی را مهمترین مراحل نوسازی کشورهای جهان سوم معرفی می‌نماید. توجه به آثار ارتباط جهت توسعه اقتصادی از دهه ۱۹۵۰ مورد نظر کشورهای جهان سوم قرار گرفته است. مراحلی که لرنر معرفی می‌کند عبارتند از:

۱- تحرک جغرافیایی: هر جامعه برای نوسازی باید به نسبت معینی از شهرنشینی عبور کند. به نظر او هرگاه جامعه‌ای بیش از ۱۰ درصد جمعیت خود را به شهرهای بیش از ۵۰ هزار نفر بکشاند، روند توسعه کند پیش می‌رود و حال آنکه اگر این میزان از رقم ۲۵ درصد تجاوز کند، روند نوسازی با میزان برابری از افزایش جامعه رشد می‌کند و موجب ارتقای آموزش و پرورش می‌گردد و از اینجا مرحله دوم توسعه آغاز می‌شود.

۲- سوادآموزی: مهاجرت افراد به شهرها، نیازهای شغلی جدید و مناسبات اجتماعی را متحول می‌سازد و نیاز به علم اندوزی را در زندگی شهری ایجاد می‌کند.

۳- استفاده از رسانه‌ها: افزایش سطح معلومات افراد، امکان استفاده از رسانه‌ها را بیشتر می‌کند و همدلی را که همانندجویی و به کارگیری شیوه زیست جوامع غربی است، میسر می‌سازد.

۴- مشارکت اقتصادی و سیاسی: با بهره‌گیری از رسانه‌ها، تحول درک افراد و شناخت جامعه و آگاهی سیاسی بیشتر گشته، مشارکت اقتصادی و دخالت در سرنوشت سیاسی را برای افراد ضروری می‌نماید.

به عقیده لرنر، مفهوم نوسازی، قبول الگوی زندگی به شیوه غربی است اما او بین اروپایی شدن یا اروپایی‌گرایی و نوسازی تمایز قایل می‌شود. وی اروپایی شدن را مختص اقشار تحصیلکرده و روشنفکر می‌داند، در حالیکه متجدد شدن را برای همه جامعه لازم می‌داند. لرنر عقیده دارد نظام ارتباط «سنتی» مبتنی بر نظام «شفاهی»، می‌باید به نظام «رسانه‌ای» کشورهای پیشرفته تغییر یابد.

نحوه ارتباط در جوامع ساده و سنتی ماند روستا چهره به چهره است و به دلیل کوچکی مکان و عدم تراکم بی‌خبری وجود ندارد و به قول معروف خبر در روستا، دهان به دهان می‌چرخد. افراد یکدیگر را در طی روز ممکن است بارها ببینند و ارتباطات صمیمانه و رو در روست و به قول «مالینوسکی» روانشناس لهستانی، زبان کارکرد اجتماعی دارد. اما در جوامع ارگانیکی و پیچیده شهری به دلیل دوری مسافت و تراکم جمعیت و کمبود وقت، ارتباطات غیر چهره‌ای و بیشتر از طریق تلفن، تلکس، و یا دستگاه پیام‌گیر است. افراد در جوامع شهری به دلیل گسترش وسعت و صنعتی شدن کمتر یکدیگر را می‌بینند و مبادله پیام بیشتر از راه دور است. مخاطبان در نظام شفاهی بیشتر گروه‌های اولیه هستند و شامل گروه‌های همشکل، محدود، همگن و شبیه به هم هستند اما در جوامع شهری به صورت انبوه و توده‌وار می‌باشد. افراد هویتی یکپارچه ندارند و ناهمگن هستند و از نظر شغلی و تحصیلات کمتر به هم شبیه‌اند و با هم اختلاف دارند. بیشتر پیام‌ها در نظام شفاهی سینه به سینه و توصیه‌ای است. جوامع ساده روستایی از نوع جمع‌گرا و اصالت جمع است مانند نظام پدرسالاری (پاتر یارشال) که بیشتر پیام‌ها از راه اندرز و پند و توصیه است. ولی در جوامع شهری و صنعتی، محتوای پیام میان افراد بیشتر توصیفی و حتی تحریف شده می‌باشد و در آن یک نوع نظام (آنتروپی) متشکل از اخبار پراکنده و بی‌نظم موجود است. منبع پیام در نظام شفاهی براساس سلسله مراتب سنتی یا مقام روحانی یا بزرگتر خانواده یا ریش سفید است و برعکس در جوامع شهری و توده وار منبع پیام منوط بر پایگاه شغلی و حرفه‌ای اشخاص است. بنابر تخصص شغلی ابراز نظر می‌کنند و رواج فردیت یا اصالت فرد و تمایلات خارج از جمع به وضوح دیده

می‌شود. به ویژه در جوامع غربی و توسعه یافته که خواهان اصالت وجود یا فردیت هستند.

## نقد الگوی لرنر

در مجموعه سه گروه کلی از الگوی نوسازی لرنر به شرح زیر انتقاد کرده‌اند:

- منتقدان جهان سومی دهه ۶۰، از جمله «چودری عنایت الله» محقق پاکستانی، که الگوی لرنر را بر قوم‌مداری غربی می‌داند و آن را برای الگوهای توسعه آسیایی، آفریقایی و جهان سومی مناسب نمی‌داند و معتقد است الگوی او قرابت فرهنگی با ملل شرقی ندارد و رویکردی غرب‌مدار است.

- طرح الگوی «متناوب» در برابر الگوی «حاکم». این نظریه توسط «اورت راجرز» در مقاله «گذار از الگوی حاکم» مطرح شد. او الگوی لرنر را قابل اجرا نمی‌داند. راجرز معتقد است کشورهای جهان سوم یا در حال توسعه اساساً خواستار دگرگونی بنیادی اجتماعی هستند. درحالی‌که این نوع الگوها بر مبنای تغییرات فردی استوار است. به عقیده راجرز به جای یک الگوی واحد، باید الگوهای متناوبی را با شرایط خاص کشورهای مختلف ارائه داد. کاتز نیز با بررسی نقش رادیو تلویزیون در جهان سوم به ویژه نقش ناموفق رادیو و تلویزیون ملی ایران در زمان محمد رضا پهلوی، از الگوهای متناوب دفاع می‌کند.

- نظریات انتقادی و رادیکال: مجموعه‌ای از محققان رادیکال غربی و جهان سومی مثل «ولز» و «بلتران» و «پائولو فریره» اسارت کشورهای جهان سوم در چنگال امپریالیسم را به دلیل وابستگی، عامل مهمی در عدم توسعه و پیشرفت این کشورها می‌دانند و مبارزات مردمی را برای رهایی از استقلال لازم می‌شمارند.

به هر صورت نگرش لرنر نگرش محلی است که توسعه ارتباطات را در یک رابطه علی و معلولی قرار می‌دهد. هواداران نگرش محلی که آثار خود را بیشتر در دهه‌های ۱۹۵۰ و

۱۹۶۰ نوشته‌اند، غالباً با تکیه بر نظریات ماکس وبر در تغییرات اجتماعی و با استفاده از تحلیل در سطح کلان سعی کرده‌اند تا از ارتباطات به مثابه یک مفهوم برای درک بهتر تغییرات اجتماعی استفاده کنند. آثار نویسندگانی چون دانیل لرنر، «اورت هیگن»، «دیوید مک‌لاند» و جمعی دیگر از نظریه پردازان مکتب معروف نوگرایی، در این چارچوب و نگرش علی ارتباطات و توسعه قرار می‌گیرد. مدل علی لرنر، ترتیبی از مراحل گوناگون نهادها ارائه می‌دهد که به رشد «فرد توانا» و نوگرایی (مدرنیزاسیون) منتهی می‌شود؛ شهری شدن، گسترش رسانه‌های جمعی، درآمد سرانه بیشتر و مشارکت سیاسی را به منصف ظهور می‌آورد. وی معتقد است که رشد در یکی از مراحل مذکور به ترتیب موجب رشد در مراحل بعدی می‌شود و این فراگرد جامعه را به سوی نوگرایی سوق می‌دهد. لرنر معتقد است که جامعه باید حس همدلی را افزایش دهد. از نظر او همدلی نوعی توان تصور است که فرد احساس کند می‌تواند تغییر مثبت و مهمی را در شخصیت و منزلت اجتماعی خود به وجود آورد. از دیدگاه او همدلی باعث حرکت به سوی نوگرایی می‌شود. لرنر ضمن توصیف پیشروی انفرادی از مرحله «سنتی» به «گذار» و سپس به مرحله «جامعه نوین» این اندیشه را مطرح می‌کند که:

۱- نوگرایی در جوامع در حال توسعه از الگوی تاریخی توسعه غرب پیروی می‌کند.

۲- عوامل اصلی (کلیدی) نوگرایی عبارتند از تحركات فیزیکی، اجتماعی و روانی که خود را در مفهوم همدلی نشان می‌دهند.

۳- کل این فرایند توسط رسانه‌های همگانی که به عنوان کارگزار و شاخص تغییر عمل می‌کنند، تسهیل می‌شود.

نگرش دوم به ارتباطات و توسعه موسوم به نگرش «سوداگرا» یا «هزینه فایده» است. این نگرش رابطه میان تکنولوژی ارتباطات و سیاست‌های توسعه را مورد بررسی قرار می‌دهد و تلاش می‌کند تا رابطه هزینه سرمایه گذاری برای توسعه را در تکنولوژی ارتباطات با



سودی که از این سرمایه حاصل می‌شود مقایسه کند. در چارچوب این نگرش، مدل‌های مطالعاتی مختلفی ارائه شده است که از میان آنها مدل «اشاعه» از شهرت و اعتبار بیشتری برخوردار است. مقبولیت این مدل که در دهه ۱۹۶۰ به اوج خود می‌رسد، تا حدودی ناشی از انتشار پروژه تحقیقی اورت راجرز و همکارانش بود که ضمن طراحی و سرپرستی پروژه‌های متعدد دیگری برای توسعه بین‌المللی (USAID) انجام می‌گرفت. طی این پروژه‌ها مدل اشاعه در کشورهای لاتین آسیا و آفریقا آزمایش شد.

### چهارچوب نظریه

با نشر و گسترش عناصر فرهنگی غرب در جهان سوم تجدد و نوسازی به وقوع می‌پیوندد و ورود عناصر و مکانیسم‌های نوسازی آمادگی روانی و تحرک ذهنی انسان‌ها برای پذیرش عناصر تجدد را فراهم می‌کند.

مهمترین عوامل ظهور تحرک ذهنی

۱. شهرنشینی: نسبت افرادی که در شهرهای بالای ۵۰۰۰۰ نفر جمعیت هستند
  ۲. سواد آموزی: افراد قادر به خواندن یک زبان
  ۳. گسترش رسانه‌ها: نسبت افرادی که روزنامه می‌خرند، رادیو می‌شنوند و سینما می‌روند به کل جمعیت
  ۴. مشارکت سیاسی و اجتماعی: نسبت واقعی رای دهندگان در انتخابات در سطح کشور
- اطلاعات تاریخی نشان می‌دهد سیر توسعه در جوامع گوناگون زمانی رخ می‌دهد که نسبت شهرنشینی به کل جمعیت ۷ تا ۱۷ درصد باشد که لرنر آن را ۱۰ درصد در نظر می‌گیرد. وی همچنین شهرنشینی را معادل با صنعتی شدن می‌داند. نظریه لرنر مبتنی بر تجارب کشورهای غربی در مسیر رسیدن به توسعه است و بیان می‌کند نوسازی شرق

و غرب نمی‌شناسد و هر کشوری این مسیر را طی کند به توسعه می‌رسد مانند روسیه و ژاپن. برای خاورمیانه دو مرحله ارائه می‌شود: اول، گرایش به غرب که متوجه قشرهای بالای جامعه بوده و در وسایل خبری ممتاز منعکس می‌شود، دوم، تجدد که جریان وسیعی را در بر می‌گیرد و توسط وسایل ارتباط جمعی بین تمامی گروه‌ها پخش می‌شود. لازمه جوامع رو به توسعه از نگاه لرنر، جامعه مشارکت جو و انسان همدل است:

جامعه نو(مشارکت جو): جامعه‌ای که با تجمع مردم و منابع و مهارت‌های لازم و کاربرد رسانه‌ها زمینه لازم برای رشد و مدرن شدن را می‌سازد.

انسان همدل: انسان دارای توانایی همدلی یا سمپاتی که لرنر یک الگوی روانشناختی در وی شناسایی می‌کند که به ظرفیت بالایی برای شناسایی مشخصه‌های جدید پیرامون خود مجهز بوده و نیازهای جدیدی را که جامعه بزرگتر نوگرا ایجاد می‌کند در خود درونی می‌کند. لرنر برای اولین بار کوشید که رسانه‌ها را به عنوان عامل و نیروی پیش برنده توسعه در انتقال جوامع سنتی جهان سوم به شرایط صنعتی معرفی کند و مشکل و مانع توسعه را در درون جوامع و شخصیت افراد سنتی جستجو می‌کند و تمام تلاش خود را در این راستا به کار می‌برد.

## الگوهای توسعه و ارتباطات

۱. توسعه لیبرال سرمایه داری که توسعه را یک الگوی رشد می‌داند.

الف. رشد اقتصادی از طریق صنعتی شدن و شهرنشینی

ب. واردات تکنولوژی از کشورهای توسعه یافته

ج. برنامه‌ریزی متمرکز از سوی کارشناسان برای تعیین جهت و شتاب توسعه

د. طرح این موضوع که ریشه توسعه نیافتگی خود جوامع توسعه نیافته است

## ۲. الگوی مارکسیستی سوسیالیستی

توسعه گرایی فرهنگی و اقتصادی و امپریالیسم نوسازی مورد چالش قرار می‌گیرد و خواستار بازسازی اقتصادی و سیاسی در مسیر توزیع عادلانه منابع و دستاوردها در میان جوامع است.

## ۳. الگوی وحدت‌گرا رهایی بخش

توجه جدی آن بر رهایی فردی و جمعی جوامع از بند ستم به مثابه کلید خود اتکایی است و از این رو کلید خود اتکایی قلمداد نمی‌شود.

مسیر توسعه در کشورهای مختلف مسیر جامعه محور: حرکت تحولات، نوآوری‌ها و ابتکارات عمل از سوی جامعه و قاعده هرم به سوی قله قدرت است که خاص کشورهای توسعه یافته بوده که اصول دموکراسی در آنها نهادینه شده و کشور هند در این زمینه مستثنی است.

مسیر نخبه محور: از قله به سمت پایین هرم بوده و خاص کشورهای در حال توسعه با جامعه مدنی ضعیف است و دلایلی چون حکومت وابسته، فقر اقتصادی و بی سوادی باعث می‌شود که این کشورها حتی حق انتخاب فناوری متناسب با بافت فرهنگی جامعه خود را هم نداشته باشند.

## ویژگی‌های جوامع نوسازی نشده

- ۱- درجه پایین تخصص گرایی ۲- درجه بالای خوداتکایی ۳- اصول فرهنگی مبتنی بر سنت ۴- تقدم قواعد خانوادگی ۵- درجه پایین تفکیک بندی زندگی

نتیجه گیری:

لرنر بعد از جمع بندی تحقیق خود به این جمع بندی می‌رسد:

۱. ترکیه: دارای شاخص‌های روانی متمایل به موفقیت و جغرافیایی بالایی بوده آینده خوبی از لحاظ نوگرایی برای آن متصور است.
۲. سوریه: به خاطر فرهنگ مختلط سورانی و اعراب مهاجر آمادگی توسعه را ندارد و افق آینده آن نیز روشن نیست.
۳. اردن: فرهنگ قومی سنتی دارد که مانع مهمی سر راه توسعه می‌باشد.
۴. مصر: دارای پیشینه امپراتوری باستان اما آلوده پان عربیسم و با ملیت نمی‌تواند به نوسازی برسند.
۵. لبنان: کشور چند اقوامی که کنار هم زندگی می‌کنند که یکی از متحول‌ترین کشورها خواهد شد.
۶. ایران: به گذشته خود می‌بالد اما هیچ بارقه‌ای از آن گذشته نمی‌بینیم در ضمن از نظر سواد با بقیه متفاوت است، فاصله بین مردم و نخبگان زیاد است و راجع به توسعه به مردم دروغ می‌گویند.